



کتابخانه



سلام



حضرتِ « مهدی » در قرآن:

جلسه بیستم - نیر ماه ۱۳۹۹

ادامه داستان

« اصحاب کهف و رقیم »:

« در آیات: ۹ تا ۲۶ سوره کهف »

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (كهف/٩)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا:

رَبَّنَا! آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (كهف/١٠)

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (كهف/١١)

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (كهف/١٢)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ

إِنَّهُمْ أَفْتِنُوكَ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ

.... (كهف/۱۳)

آنان جوانانی بودند که به خدایشان ایمان آوردند ...

چرا اصحاب رقیم «فتیه» بودند؟

« **فِتْيَه** » یعنی: « جوانمرد، اهلِ فتوّت، رفیقِ همفکر، »

« لا فَتَى إِلَّا عَلَى » یعنی:

هیچ جوانمردی مثل امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نیست.

زیرا « همفکری ایشان با **رسول اکرم** صلی الله علیه و آله »

« همفکری مؤمنانه و دائمی » بود.

امام صادق صلوات الله عليه فرمودند:

أما علمتَ أنَّ أصحابَ الكهف كانوا كُلُّهم **كهولاً**

فسمَّاهم اللهُ « **فَتِيَّةٌ** » بِإِيْمَانِهِمْ. (مجمع البيان/ذيل آیه)

آیا نمی‌دانی که اصحاب کهف همگی سالخورده بودند، اما

خداوند به خاطر « همدلی مؤمنانه آنان », آنان را جوان نامید.

قرآن، « حضرت یوشع » علیه السلام را هم

« **فتی** » نامیده زیرا برای حضرت موسی علیه السلام،

همواره « رفیقی همفکر و همراه » بود:

وَإِذْ قَالَ مُوسَى **لِفَتَاهُ** (کهف/۶۰)

شاید به خاطر همین « شدت همراهی و اطاعت و تبعیت »،

قرآن، « کنیزان جوان » را هم « **فَتِيَّةٌ** » می نامد:

و هر که از شما که نمی تواند زنان پاکدامن مؤمن را به همسری بگیرد

پس با دختران جوانسالِ مؤمنی که تحت ولایت شما هستند (ازدواج کند):

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ

فَمِنْ¹² مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ **فَتَيَاتِكُمْ** الْمُؤْمِنَاتِ (نساء/ ۲۵)

قرآن، به والدین (خصوصاً مادرها) هم « هشدار » می‌دهد،

تا مبادا دخترانِ « مطیع و حرف‌شنو و مشتاق ازدواج » را

به خاطر « پُر » دادن در مجالس، از « **ازدواج** » منع کنند:

... **وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ** **إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا**

لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (نور/۳۳)

A photograph of a window with white frames and sheer white curtains. The window is partially open, revealing a lush green garden outside. Several potted plants with bright red flowers are placed on the windowsill. The scene is brightly lit, suggesting a sunny day.

ادامه « آیه » ۵:

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ

وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (كهف/۱۳)

آنان جوانانی بودند که به خدایشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.

افزایشِ هدایت « چگونه »؟

« عاملِ » افزایشِ « ایمان » چیست؟

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ **السَّكِينَةَ** فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

لِيَزِدُّهُمْ إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ

(فتح/۴)

اوست آن که در دل‌های مؤمنان، « آرامش » فرو می‌آورد

تا^{۱۷} « ایمان خاصی » را به ایمان آنان؛ بیفزایند

تا با «افزایشِ ایمان»
«توکلِ» مؤمن زیاد شود:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (انفال/ ٢)

مؤمنان آنانند که تا یادِ خداوند مطرح شود دل‌هایشان بلرزد و چون آیات
او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر خدای خود توکل می‌کنند.

مؤمن با إحرازِ «ایمان و توکل»
از سلطهٔ «شیطان» رها می‌شود:

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا

وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (نحل/۹۹)

زیرا او بر اهل ایمان که به خدایشان توکل می کنند، هیچ « تسلطی » ندارد.

پس مؤمنین، با « توکل به خداوند »

از « سلطنت شیطان » رهایی پیدا می کنند:

« ثمره » خروج از سلطه « شیطان » ؟

رهایی از سلطهٔ شیطان،

انسان را به مقام « مخلصین » می‌رساند:

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (ص/۸۳)

گفت: به عزت سوگند که همه را گمراه می‌کنم * مگر بندگان خالص تو را.

... وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى (كهف/۱۳)

« ثمره » زیاد شدن « هدایت »؟

انسان، با پذیرشِ هدایتِ اوّلیّه،

مستحقِ هدایتِ ویژه و لایق دریافتِ « تقوا » می‌شود:

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا

زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (محمد/۱۷)

و آنانکه هدایت را پذیرفتند، (خدا) هدایتشان را می‌افزاید و به آنان تقوا می‌دهد.

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there are lush green trees and foliage. On the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

« آیه » چشم:

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ

(کهف/۱۴)

و (پس از افزایش هدایتشان،) قلبهایشان را (هم) یکپارچه کردیم.
آنها به یک «پیوند مؤمنانه و موحدانه» رسیدند،
لذا^{۲۷} «هیچکدامشان» (با اینکه از اقشار مختلف بودند اما) «شاخص» نبودند.

پس « **مهمترین** » شاخصهٔ اصحابِ کُهِفِ این بود که:

با: ایمان، إِهْتِدَاء، توکُّل، ایمان خاص، هدایتِ ویژه،

و رهایی از « **سلطهٔ** شیطان »، خدا آنها را « **مخلص** » کرد

زیرا « **خودخواهی** » را کنار گذاشتند

و در²⁸ « **حق طلبی** »، « **ذوب** » و با هم « **یکپارچه** » شدند.

« ربط » یعنی چه:



« **ربط** » (رُباط، رابط، مربوط) یعنی:

« محکم کردنِ » دو یا چند چیزِ تا با هم « ثابت » بمانند.

پس « **ربطنا** » یعنی:

« **قلب** » آنان را « **محکم** و **یکپارچه** » کردیم

تا با³⁰ « **تثبیتِ قلبشان** » بتوانند « **ثابت قدم** » باشند.

« اصحاب رقیم »،

اولین « گروهی » بودند که لایقِ « ربطنا » شدند،

و « ۳۱۳ اصحاب کَهفِ » منتظرِ « ظهور » هم،

باید به چنین « قابلیت و لیاقتی » برسند

تا با « تثبیتِ قلبشان » بتوانند « ثابت قدم » بشوند.

دومین « یکپارچه » شدنِ قلبها:

خداوند، در جنگ « بدر » هم آن « ۳۱۳ » نفر را یکپارچه کرد:

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً

لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ

وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

(انفال/ ۱۱)

(یاد کن) وقتی (خدا) چرتی آرامش بخش از نزد خود بر شما مسلط کرد و از آسمان بارانی بر شما فرود آورد، تا پاکتان^{۳۳} کند و وساوس شیطان را از شما بزدايد و قلوبتان را محکم کند و گامهایتان را با آن استوار سازد.

« یکپارچگی » شرط ظهور تمامِ حق:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ (آل عمران / ۲۰۰)

ای اهل ایمان؛ صبور باشید و به صبر دعوت کنید و زمینه همدلی و یکپارچگی^{۳۵} را فراهم آورید و از خدا پروا کنید تا اینکه رستگار شوید.

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ

«ربطنا» یاداش چه «کاری» بود؟

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ

إِذْ قَامُوا فَقَالُوا:

رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... (كهف/۱۴)

وقتی (در اعتراض به شرک و کفر حاکم) قیام کردند و گفتند:

خدای ما، همان خدای آسمانها و زمین است،

« قیام » آنان برای چه بود؟

طبق این آیه ۱۴ سوره کهف، « **قیام** » آن چند نفر اندک،

(در آن فضای تاریک و ترسناک و پُر از وحشت و اختناق)،

فقط برای: « **بیداری فطرتها** و **عقول** » مردم،

و إقامة « **پرچم توحید** » و مبارزه با « **شرک** و **کفر** »،

و آماده‌سازی « **أمر** » ی بود که ولی أمر خدا باید تمامش کند:

رَبَّنَا؛ آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ «أَمْرِنَا» رَشَدًا (کهف/۱۰)

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. A potted plant with vibrant red flowers sits on the windowsill. The window looks out onto a lush green garden with trees and foliage. A teal banner with white Arabic text is overlaid on the bottom left of the image.

ادامہ « آية » ٦:

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا: رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

لَن نَدْعُوًا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا

لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (كهف/۱۴)

ما معبودی غیر از او را هرگز نمی خوانیم زیرا در آنصورت قطعاً نادرست گفته ایم.

« شطط » یعنی چه؟

« شط » یعنی:

« رویگردانی از حق »

« جدائی از اُمّری ثابت »

اوج « كلام » آنها؟

لَنْ نَدْعُوًا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا

لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (كهف/۱۴)

آن‌ها گفتند: «هرگز غیر او را نمی‌خوانیم»

نگفتند: «هرگز غیر او را بندگی نمی‌کنیم»:

باور « اصحابِ کَہفِ الہی » باید این باشد کہ:

حتی « خواندن غیر خدا »،

« خلافِ عقل و حق است و مجاز نیست. »

و این « اوج خدا باوری و یکتاپرستی »

و « عصارۂ دعوت تمام انبیاء الہی » است.

سؤال:



وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ

إِذْ قَامُوا فَقَالُوا:

رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

لَن نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (كهف/ ١٤)

آنها این مطالب را به « کی » گفتند؟

A photograph of a window with white frames and sheer white curtains. The window is partially open, revealing a lush green garden outside. Several potted plants with bright red flowers are placed on the windowsill. The scene is brightly lit, suggesting a sunny day.

« آية » هفتم:

لطفا ترجمه و مخاطب آیه زیر را شما پیدا کنید:

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنِ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

(کهف/۱۵)



خدایا:

« **فهمِ ظرائفِ قرآن** » را به ما عطا فرما

و ما را از غفلت و جهالت و خودخواهی حفظ کن

تا در زمینه‌سازی ظهورِ آخرین حجت سیهیم

و در رکابش افتخار حضور داشته باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

